

کن، حضور پر خوج مسوولان

■ **شرق:** در حالی که به نظر می‌رسد «کیارستمی» و «فرهادی» کارگردانان ایرانی با اثر غیرایرانی در جشنواره کن حضور داشته باشند، مسوولان کاروانی بر طمطراق برای حضور در این دوره در نظر گرفته‌اند. صغی و در جهت برقراری ارتباط با سینمای جهان قرار داشت در این چندسال گذشته به شکلی دیگر به آن نگاه می‌شود و معمولا کاروان مسوولان دولتی از خیل سینماگران بیشتر است. در چند سال گذشته با اینکه مسوولان علاقاهی به جشنواره‌های خارجی نداشتند اما هر بار حضور گسترده‌ای در این مکان‌ها پیدا می کرده‌اند. هر چند طی چند سال گذشته کن در بین اخبار با اسم «جواد شمقدری» گره خورده است، خاطره دیدار او با «ژیل ژاکوب» و صحبتی که درباره «جعفر پناهی» شد، بحث تکذیب‌ها و تاییدها در رسانه‌ها مطرح شد. سال پیش هم ماجرای نامه نوشته‌شده به «لژنس فون تریر» که به دلیل سخنان نژادپرستانه از جشنواره کن اخراج شد با واکنش‌های مخالفی روبه‌رو شد، چون این کارگردان جهانی با بی‌اعتنایی عبور کرد.

شمقدری دو سال پیش چنین ارزیابی ای از جشنواره کن داشت و گفت: «به اینجا آمدم تا بگویم فرهنگ، هنر و سینما باید نقطه اتصال و محور همکاری باشد و نباید از بستر فرهنگ در جهت افتراق و بازی‌های سیاسی استفاده کرد. شاید نیت جشنواره کن انسان‌دوستانه باشد اما انعکاس بیرونی و بازتاب رسانه‌ای آن کلاما سیاسی است.»

«حمد نجفی» عضو شورای عالی سینما در این‌باره به شرق می‌گوید: هیات ۲۰ نفره سودی ندارد. به نظر من حضور مسوولان سینمایی در جشنواره‌های خارجی تاثیر بسیار اندکی در تولیدات سینمایی خواهد گذاشت. در این جشنواره‌ها باید بیشتر گروه‌های تولیدی این صنف مثل تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها حضور داشته باشند. خود من وقتی با آقای «شمقدری» در این مورد صحبت کردم گفتم که وجود تولیدی‌های سینمایی به دلیل یاد گرفتن این صنعت به نحو صحیح بسیار لازم به نظر می‌رسد. اما اینکه یک هیات ۲۰ نفره را با هزینه دولتی بخواهم بفرستم هیچ سودی نخواهد داشت. اگر مساله یکبار رفتن باشد که اشکالی ندارد در غیرانصورت اگر دوست داریم در جشنواره‌های خارجی شرکت کنند بهتر است از جیب مبارکشان خرج کنند و از هزینه‌های دولتی استفاده نکنند. اگر هم کسی اعتقادی به این جشنواره‌ها ندارد که لزومی به رفتنش نیست، باید کسانی به این جشنواره‌ها ورود پیدا کنند که اعتقاد هم به آن داشته باشند. نرفتن در این جشنواره‌ها هم که درست نیست. مثل این است که ما با این اوضاع بد ورزش این همه برای المپیک و جام جهانی خرج می‌کنیم چون می‌خواهیم خودمان را آماده کنیم. از آنجایی که سینمای ما از نظر تکنیکی مشکلات زیادی دارد بد نیست که با نشست و برخاست با کشورهای دیگر این صنعت را بشناسیم. همین جام اعلام می‌کنم نه به این جشنواره‌ها تا به حال رقتام و اگر هم بخواهم بروم با پول شخصی خودم خواهد رفت.»

رقابت دولتی‌ها با هم

امسال انگار قرار است بحث رقابت بین دو نهاد درگیر مسایل سینمایی باشد. به گزارش فارس امسال هم مانند سال گذشته کاروان مدیران به سرپرستی «حسن نجاریان» (قائم‌مقام بنیاد سینمایی فارابی) به فرانسه اعزام می‌شود. با توجه به افزایش قیمت دلار و مشکلات اقتصادی که کشور با آن مواجه است و پروژه‌هایی که به دلیل نداشتن سرمایه‌گذار بر زمین مانده است، امسال تعداد مدیران و سینماگرانی که از سوی دولت برایشان از سفارت فرانسه ویزا درخواست شده است افزایش یافته، به‌گونه‌ای که سفارت فرانسه به تعدادی از درخواست‌کنندگان (حدود ۲۰ نفر) بنا به دلایل مختلف ویزا نداده است.

در میان گروه اعزامی به فرانسه، نام «جواد شمقدری» (رییس سازمان سینمایی) به چشم می‌خورد اما در خبرها آمده بود که او در جشنواره حضور نمی‌یابد اما نام شمقدری در فهرست اسامی‌ای علاوه بر مدیرعامل این موسسه (محمدرضا عباسیان) تعدادی از همکاران وی در موسسه و یکی از اهالی رسانه نیز به چشم می‌خورد، مدتی است فعالیت موازی بنیاد سینمایی فارابی و موسسه رسانه‌های تصویری باث اما و اگرهایی شده و جالب است که دو نهاد دولتی با هم به رقابت می‌پردازند! همچنین هیاتی از حوزه هنری در جشنواره حاضر خواهند شد زیرا امسال برای اولین‌بار این سازمان دارای غرفه‌ای مستقل خواهد بود. هیات ساماندهی صنوف سینمایی و اعضای شورای‌عالی سینما نیز هیات ایرانی را همراهی خواهند کرد. در میان افراد اعزامی نام «حسین زندباق»، «جهانگیر الماسی»، «ضیاء هاشمی» و «پرویز شیخ‌طادی» نیز به چشم می‌خورد. حضور بر تعداد مدیران سازمان صدا و سیما و حوزه هنری نیز از دیگر نکات قابل تامل گروه اعزامی مدیران به شصت و پنجمین جشنواره بین‌المللی کن است. خبرگزاری فارس هتدار داده است برخی از فیلم‌های خریداری شده تنها برای ارایه آثار مدیران سینمایی به برخی از گروه‌ها و اندهان عمومی به بازار عرضه می‌شوند و توانایی ارتباط برقرار کردن با مخاطب خارجی را ندارند! این در حالی است که هر بار نمایش فیلم در سالن‌های کوچک (با ظرفیت ۳۰ تا ۵۰ نفر) مبلغ ۴۰۰ تا ۴۵۰ یورو هزینه خواهد داشت، با این هزینه‌های گزاف بهتر نیست فیلم‌های مناسب و آثار با زبان بین‌المللی در این بازار مهم عرضه شود؟

■ **گزارش تصویری**



عباس عبادی

پژوهشگر

فقط پنج کتاب نه برای من که برای هر کس دیگری هم مشکل است ولی بنده می‌گوشم که فقط در حوزه مورد علاقه خودم که جامعه‌شناسی و سیاست است چند مورد را معرفی کنم. درباره جامعه‌شناسی

علی فراستی:تالار «شراین» لس‌آنجلس

یکبار دیگر شبی به یادماندنی را به خود دید. در پنجمین شب ماه می(۱۶ اردیبهشت) تالار زیبای مجاور بولوار جفرسون معروف به «شراین آودتوریوم» که محل برگزاری مراسم اسکار نیز هست، شاهد روی صحنه رفتن محمدرضا شجریان، استاد آواز ایرانی بود. این کنسرت بخشی از تور بزرگ شجریان و گروه «شهناز» در آمریکا بود که مخاطبان زیادی را به این تالار هفت هزار نفری کشاند.

در کنسرت لس‌آنجلس ۱۶ ترانه و تصنیف با ساز و آواز اجرا شد که بیشتر آنها جدید بودند. با این حال حاضران مستمرا درخواست اجرای ترانه «مرغ سحر» را می‌کردند. در این اجرا شجریان پس از اجرای ترانه جلودانه «رم مشترک» با اجرای «مرغ سحر» شور و حال دیگری به مراسم داد. این کنسرت‌ها با استقبال پرشکوه ایرانیان مقیم آمریکا و همچنین آمریکاییان علاقه‌مند به موسیقی شرقی و ایرانی

مواجه شد؛ به‌خصوص که برخی از سازها برای حضار ناآشنا بود. در این تور هنری ۱۴ موسیقی‌دان از جمله مژگان شجریان، استاد آواز ایران را همراهی کردند. اسامی گروه موسیقی و سازهای هریک از نوازندگان و اعضای گروه عبارت‌اند از: مجید درخشانی، سرپرست گروه، تنظیم‌کننده و نوازنده تار و کرشمه رامین ضایعی، نوازنده سنتور؛ شاهو عنددلیبی، نوازنده‌نی؛ مژگان شجریان، همخوان آواز و نوازنده سه تار؛ حامد افشاری، نوازنده

شرق، فیلم «شیکه» آخرین ساخته ارج قادری از ۲۷ اردیبهشت در گروه «قدس» جایگزین فیلم «لرنجی‌پوش» خواهد شد. همچنین مراسم یادبود این کارگردان و بازیگر سینمای ایران روز جمعه ۲۲ اردیبهشت از ساعت ۱۸:۳۰ تا ۲۰:۳۰ در مسجد الجواد (ع) واقع در میدان هفت تیر برگزار می‌شود.

تابلوی ۲۲۰میلیون تومانی سپهری در «هفت نگاه» پنجم

شرق: شش گالری‌دار مطرح تهرانی در نشست، جزئیات پنجمین فروش هنری سال معروف به «هفت نگاه» را تشریح کردند. گالری «ماه مهر» روز گذشته میزبان نشستی با حضور خبرنگاران و مدیران گالری‌های دی، گلستان، ماه مهر، آریا، هفت ثمر، والی و الهه بود. در این نشست که با حضور لیلی گلستان، مژگان‌والی‌پور، آرا اقبال، فریا سلحشور، لی‌لی لمری و الهه جوهری برگزار شد، لیلی گلستان سخنگوی هفت نگاه به دو اتفاق مهم هفت نگاه امسال اشاره کرد: «یکی وسوسا برای انتخاب آثار که موجب رنجش چند نفر شد اما فکر کردیم با این کار کیفیت را بالا می‌بریم. اتفاق مهم دیگر چنگ زدن با هنرمندان برای پایین آوردن قیمت‌ها بود که این امر باعث شد ۹۰درصد هنرمندان چه پیشکسوت و چه جوان برای پایین آوردن قیمت‌ها با ما هم‌صدا و همفکر شوند.» او با آرایه آثار این دوره از هفت نگاه گفت: «امسال ۳۰۰ هنرمند در هفت نگاه حضور دارند که دوبرابر بیشتر از دوره قبل است. این نشان‌دهنده اعتباری است که هفت نگاه نسبت به دوره‌های قبل پیدا کرده است.» سخنگوی هفت نگاه در ادامه به برگ برنده هفت نگاه امسال اشاره کرد و اضافه کرد: «دو اثر بسیار زیبا از سهراب سپهری که به ترتیب ۱۷۰ میلیون و ۱۷۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است به عنوان برگ برنده حراج هفت نگاه امسال است. اثری که ۲۲۰میلیون تومان قیمت دارد با امضای سهراب است و اثری دیگر بدون امضا به فروش خواهد رفت.» وی گفت: «اثری که

ادب‌و هنر

۵ کتاب سیاسی و اجتماعی

فراوانی نوشته تری‌لین را پیشنهاد می‌کنم. درباره جامعه‌شناسی سیاسی ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی نوشته برینگتن مور و نیز سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی هانتینگتون را پیشنهاد

گزارش اختصاصی «شرق» از کنسرت محمدرضا شجریان در «کالیفرنیا»

شب پر خاطره شجریان در «لس‌آنجلس»



محمدرضا شجریان و مهرداد واظری

شهنواز؛ رادمان توکلی، نوازنده تار؛ کاوه معتمدیان، نوازنده سیو و صراحی سوزپرانو؛ سحر ابراهیم، نوازنده قانون؛ سامان صمیمی، نوازنده کامنچه و دل و دل؛ مهدی امینی، نوازنده ساغر؛ مهرداد ناصحی، نوازنده صراحی آلتو و شهر آشوب آلتو؛ جمشید صفرزاده، نوازنده تندر؛ سپیده خاوردی، نوازنده شهبانگ؛ حمید قنبری، نوازنده تمبک و حسین رضایی‌نیا، نوازنده دف و دایره. شجریان و گروهش پس از اجرای به یادماندنی در لس‌آنجلس، بلافاصله به سن‌خوزه

در حومه جنوبی سانفرانسیسکو رفتند تا آخرین کنسرت را اجرا کنند.

تور کنسرت‌های شجریان و گروه شهناز در آمریکا، ۱۹ آوریل (۳۱ فروردین) در شهر بوستن آغاز شد. سالن جان‌هنکوک شهر بوستن در حالی میزبان استاد شجریان و گروه شهناز بود که این گروه، کنسرت‌های جدید خود را در دو بخش سه‌گانه و بیات اصفهان پیشکش علاقه‌مندان موسیقی ایرانی کردند. این گروه در ادامه تور خود، روز

دریابندری همچنان در صدر



الینا؛ کتاب‌های «جف در یابندری» در بیست و پنجمین

نمایشگاه

ایلنا؛ کتاب‌های «جف در یابندری» در بیست و پنجمین نمایشگاه کتاب تهران جزو پرفروش‌ترین کتاب‌های این دوره است. در غرقه نشر کارنامه، برخی از ترجمه‌های این مترجم پیشکسوت از قبیل «پایمانده روز» نوشته ابی‌ی گورو، نویسنده ژاپنی‌ال‌اصل ساکن انگلستان و «پیامبر و دیوانه» از پرفروش‌ها هستند.

می‌کنم. درباره جامعه‌شناسی در مفهوم عام‌تر از جامعه خودمان هم دموکراسی در آمریکا و نیز انقلاب فرانسه هردو آنها نوشته توکویل به اضافه سیر جوامع بشری آقاو خانم‌لنسکی را پیشنهاد می‌کنم. از کتاب‌های جدیدتری که مطالعه آن به درکی کاربردی از جامعه خودمان منجر می‌شود هم، آینده آزادی فرید زکریا را توصیه می‌کنم. روشن است که در این سیاهه کتاب‌های بسیاری از قلم افتاده‌اند که نباید می‌افتادند.

جمعه ۲۰ آوریل در نیویورک، یکشنبه ۲۲ آوریل در واشنگتن و ۲۸ آوریل در دورهام و ۲۹ آوریل در آتلانتا روی صحنه رفتند. بدین‌ترتیب تور هنری شجریان و گروه شهناز پس از هفت شب کنسرت در شهرهای مختلف آمریکا، با اجرای آخرین کنسرت در شهر سن‌خوزه به سفر هنری آمریکا پایان داد. محمدرضا شجریان به موازات برپایی کنسرت‌هایش در شهرهای آمریکا، روز دوشنبه‌نهم آوریل به دعوت انجمن دانشجویان کالیفرنیا در سن‌دیه‌گو سخنرانی کرده بود. او در این سخنرانی با عنوان «موسیقی ایران در ۵۰ سال گذشته» به معرفی موسیقی ایرانی و سازهای ابداعی خود پرداخت. او همچنین در بخش دیگری از این مراسم، به پرسش‌های دانشجویان درباره موسیقی ایرانی و سازهای ابداعی خود پاسخ داد. این خواننده بنام، پیش از این هم در تورهایی اروپایی خود و در کشورهای مختلف به سخنرانی و معرفی موسیقی ایرانی و سازهای ابداعی خود پرداخته است.

آخرین آلبوم منتشره محمدرضا شجریان و گروه شهناز در ایران «مرغ خوشخوان» نام دارد که توسط شرکت فرهنگی و هنری دل‌آواز منتشر شد. این اثر ساخته محمدرضا شجریان و تنظیم مجید درخشانی در دستگاه شور و آواز ابوطاهر روی اشعار مولانا، حافظ و باباطاهر است و آوازهای آن مربوط به اجرای کنسرت سال ۱۳۸۷ در تالار کشور تهران بوده و اجرای ارکستری به‌صورت گروهی در شرکت دل‌آواز ضبط شده است.

جیرانی می‌رود



به نظر می‌رسد که انتقاد جیرانی در برنامه هفت، به مذاق مسوولان رسانه‌لی خوش نیامده است و قصد دارند این برنامه را تعطیل یا مچری آن را تعطیل کنند. شریعت‌پناهی، مدیر گروه‌اجتماعی تلویزیون گفت: «جیرانی نیز نقطه‌ظرفانی را در زمینه این بیابیه عنوان کرد، که این نظرات کاملا شخصی بوده و بدون اطلاع ما اقدام به این کار کردند»

ذوالفنون هیچگاه نمی‌میرد

شرق: «استاد ذوالفنون برای همه ما زنده است، مخصوصا برای ما که همچون پدری بود و استاد و برادری از دست‌رفتنتش را باور نمی‌کنیم و برای ما همیشه اسوه مهربانی و تلاش و هنر باقی خواهد ماند.» اینها بخشی از صحبت‌های «مهرداد ترابی» موسیقیدان و از دوستان نزدیک جلال ذوالفنون بود که در آپین چهلمین روز درگذشت استاد موسیقی در سالن همایش‌های «برج میلاد» گفت. نکته‌ای که «حسام‌الدین سراج» پیش از اجرای قطعه‌ای به یاد او به سبک خودش گفت این بود که جلال ذوالفنون هیچگاه نمی‌میرد و همواره در دل‌های ما زنده است و ما همیشه به یاد ایشان بوده و هستیم به خصوص در این ایام که فرزندان‌شان نیز در کنار ما حضور دارند و گروه را همکاری می‌کنند. مراسمی که با حضور سیمحمد میرزمانی، محمد سریر، حسام‌الدین سراج، هوشنگ کامکار،ها مهدی ترابی، سهیل محمودی و خانواده استاد جلال ذوالفنون برگزار شد و هنرمندانی همچون سهیل ذوالفنون و جلال حبیبی، گروهی از شاگردان ذوالفنون، حسام‌الدین سراج و پسر استاد ذوالفنون، را در قالب خواندن نامه‌ای به پدر انجام داد. در بخشی از این نامه آمده است: «بابا جلال! این ۹۰روز بدون تو برابم چهل سال گذشت، اما نوای سارت در تمام این روزها مرم‌دل غمدیدام بود. هرچند که دلم می‌خواهد، عشق خالصت را بار دیگر تجربه کنم اما می‌دانم که صدای ساز تو جلودانه است و تو خود جلودانه شدی و به ستاره بدل‌شده‌ای امروز اینجا حاضر می‌شدند مطمئنا

پنجمین «هفت نگاه» روز پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ساعت چهار بعدازظهر در فرهنگسرای نیاوران افتتاح می‌شود و تا ۹ شب نیز ادامه خواهد داشت، در روزهای دیگر نیز علاقه‌مندان می‌توانند ۱۰ صبح تا هفت‌عصر مراجعه کنند.

از آثار قابل توجه در این نمایشگاه دو اثر از پروانه اعتمادی که یکی از آنها پرتره شهرام ناظری مربوط به اوایل انقلاب است و تعداد دیگری از هنرمندان مطرح و جوان کشورمان است. این اثر برای نخستین بار به همراه اثر دیگری از این هنرمند به نمایش در می‌آید. اما رکورد قیمت برای اثری از سهراب سپهری است که به ۲۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده که به عنوان برگ برنده حراج «هفت نگاه» امسال است. این اثر با امضای سهراب جزو گران‌ترین آثار این حراج محسوب می‌شود.

■ **گزارش تصویری**

تعدادی از آثار کمپاب هنر معاصر در حراج ساتییز در نیویورک به فروش می‌رسد. این آثار کارهای نادر هنرمندان معاصر مربوط به شش دهه گذشته است و معروف‌ترین آن تابلویی از «روی لیختن اشتاین»، هنرمند نام‌آور پاپ آمریکایی بنام دختر خفته (مربوط به ۱۹۶۴ میلادی) است، ۹ می به فروش خواهد رسید. این تابلو که نشانه‌ای از هنر معاصر آمریکا پس از جنگ است بین ۳۰۰ تا ۴۰۰میلیون‌دلار ارزش‌گذاری شده است.



گزارش تصویری

تعدادی از آثار کمپاب هنر معاصر در حراج ساتییز در نیویورک به فروش می‌رسد. این آثار کارهای نادر هنرمندان معاصر مربوط به شش دهه گذشته است و معروف‌ترین آن تابلویی از «روی لیختن اشتاین»، هنرمند نام‌آور پاپ آمریکایی بنام دختر خفته (مربوط به ۱۹۶۴ میلادی) است، ۹ می به فروش خواهد رسید. این تابلو که نشانه‌ای از هنر معاصر آمریکا پس از جنگ است بین ۳۰۰ تا ۴۰۰میلیون‌دلار ارزش‌گذاری شده است.

نمایشگاه

یادداشتی درباره نمایشگاه

خاطرهای که اتفاق نیفتاده



سیامک گلشیری

■ دو، سه روز پیش خانی‌با من تماس گرفت و گفت بد نیست مطلبی درباره نمایشگاه بنویسم. میان حرف‌هایش گفت خاطره‌ای هم باشد، خوب است. درست همان موقع بود که بی‌اختیار خیلی سریع تمام آن لحظاتی را که در چندین و چند سال گذشته در نمایشگاه کتاب سپری کرده بودم، از مقابل چشم‌هایم گذشت، اما انگار خاطره خاصی در ذهنم نمانده. شاید هم هست؛ قطعا خاطره خوبی یک جایی پس از هفتم مانده که باید پیدایش کنم. اما بعد وقتی خواستم خوب فکر کنم، خاطره‌ای به یاد آمد که هرچند در نمایشگاه کتاب اتفاق نیفتاده، اما بی‌گمان به تمای نمایشگاه‌های کتاب و کنفروشی‌ها و شاید هر جا که حرف از کتاب و کنیخوانی به میان می‌آید، ربط پیدا کند.

خاطره من برمی‌گردد به سال‌ها پیش، زمانی که سال اول دبیرستان بودم. معلم جبرمان و خیلی از معلم‌های دیگر پیش از عید کلی تکلیف به ما داده بودند. آنقدر بود که نفهمیم عید چطور قرار است بیاید و برود. اما آن سال اتفاق جالبی برای من افتاد؛ چیزی که هنوز که هنوز است به آن فکر می‌کنم و شاید جرقه‌ای بود برای کارهایی که سال‌ها بعد شروع کردم؛ مادرم به‌تازگی خولنن رمان پنج‌جلدی سمک‌عبار را تمام کرده بود و به من پیشنهاد کرد بخوانمش. گفت کافی است ۲۰صفحه از آن را بخوانم تا دیگر کتاب را زمین نگذارم. همین هم شد. ۲۰صفحه از آن را خواندم و بعد دیدم دیگر نمی‌توانم آن را رها کنم. تمام عید مشغول خواندن آن بودم، چیزی که احساس کردم از هر درسی برابم واجب‌تر است. کتاب، مرا با شخصیت‌ها و جهانی آشنا کرد که تا پیش از آن هرگز هیچ چیزی از آنها نمی‌دانستم. حتی یادم است بعد از خواندن آن رمان چندجلدی دیگر خودم را آن آدم قبلی نمی‌انستم. در تمام مدت هم تکلیف‌هایی را از چشم پدر و مادر پنهان کردم. می‌خواستم بگذارند راحت کتاب را بخوانم. اما چیزی که فکر می‌کنم از همه اینها جالب‌تر باشد، اتفاقی است که درست چند روز بعد از تعطیلات عید افتاد. فکر می‌کنم روز سه‌شنبه یا چهارشنبه بود که جبر داشتم. معلوم بود که نرسیده بودم تکلیفم را تمام بدهم. اما برای آنکه بگویم تعطیلاتم را به بطالت نگذراندم، فکری به سرم زد. جلد اول «سمک‌عبار» را بردم سر کلاس. وقتی معلم جبر سر میزم آمد تا تکلیف‌هایم را ببیند، برایش گفتم که نرسیده‌ام چونهایی را که خواسته انجام بدهم و بعد کتاب را گذاشتم روی میز. سعی کردم برایش توضیح بدهم چه کنلی است؛ حتی انگار از شخصیت‌هایش هم حرف زدم. از سمک و خورشیدشاه و فرخ‌روز و روزافزون. دست آخر گفتم هر پنج جلد را برایش می‌آورم که او هم آنها را بخواند. گفتم مطمئنم که از آنها خوش‌اش می‌آید. فقط داشت نگاهم می‌کرد. بعد کتاب را از جویتم برداشت. گرفت جلو چشمش و بعد ناگهان آن را پرت کرد سمت در کلاس. طوری که محکم به در خورد و خیلی از برگ‌هایش کنده شد. مرا هم از جا بلند کرد و داد زد که از کلاس بیرون بروم. فکر می‌کنم بعد از آن، تکلیف‌هایی را که خواسته بود انجام دادم، اما هرگز کتاب داستان سمک‌عبار را از یاد نبردم. شخصیت‌های این کتاب همیشه با من هستند؛ برای همیشه در ذهن و قلبم خواهند ماند. می‌دانم که این روزها، روزهایی که نمایشگاه کتاب برپاست، برای ما اهالی کتاب روزهای خوبی است، اما بعد از آن چه؟ بعد از آن قرار است چه بر سر کتاب و کتاب خواندن بیاید؟ دوباره قرار است همان معلم جبر، کتاب «سمک‌عبار» را بگوید به در کلاس و به شاگردهایش بگوید هیچ چیز در این دنیا جز جبر مهم نیست. شاید اگر آن معلم داستان سمک‌عبار را خوانده بود و خیلی از کتاب‌های دیگر را، پی می‌برد که کتاب داشتی به انسان‌ها می‌دهد که قابل مقایسه به هیچ چیز دیگری در جهان نیست. شاید اگر او سر کتاب بود، هرگز آن کار غیرفرهنگی و غیرانسانی از او سر نمی‌زد و چه بسا، هرچند به شاگردانش جبر می‌آموخت، اما از آنها می‌خواست تا تعطیلات عید به جای انجام دادن آن همه تکلیف که فقط نرفت شاگردانش را برمی‌انگیزد، رمانی بخوانند.

هفت هنر

ارزبابی مهرجویی از آینده سینما

■ **ایلنا:** «اریوش مهرجویی» به همراه عوامل فیلم «لرنجی‌پوش» در فرهنگسرای ارسباران حاضر شدند و به گفت‌وگو پرداختند. این روزها که جزو پرتارترین روزهای مهرجویی در میان مردم محسوب می‌شود، او درباره سختی ساختن سینمایی فیلم‌هایش سخن گفت. کارگردان باسابقه سینمای ایران گفت: «پنکه گفته می‌شود بعد از ساخت فیلم سنتوری فیلم‌هایی که می‌سازم ضعیف است، درست نیست. این فیلم‌ها در شرایط فعلی ساخته می‌شوند. امروز سیستم وزارت ارشاد، سیستم شلوغ و بی‌سامانی است و من چرا باید دوباره با ساختن فیلم‌هایی مانند سنتوری خودم را گرفتار کنم. در این چهار سال اخیر سینمای ایران مشکلات زیادی دیده است. خاته سینما منحل شده و یک نظام درست وجود ندارد. در این شرایط چگونه من می‌توانم و چگونه دیگران انتظار دارند که من فیلمی مانند گاو بسازم. امروز با دورهای روبه‌رو هستیم که دولت آن کارنامه کاری مشخص را دارد. امروز معاون سینمایی آقای شمقدری است و این دوره با دوره‌های دیگر متفاوت است.»مهرجویی ادامه داد: «در وضعیت فعلی چه من و چه هنرمندان دیگر وقتی که فیلمنامه می‌دهند، سریع رد می‌شود و هرچه می‌پرسیم که چه کسانی این فیلمنامه‌ها را خوانده‌اند، جوابی نمی‌دهند. با این وضعیت و این مدیریت، آینده سینمای ایران برای من تلرک است و هیچ تصویری نمی‌بینم»